

مشکل بی‌کاری و مطالبات کارگری

برنامه هفته‌های کارگران پیشتاز سوسیالیست (قسمت اول)



با سلام و عرض خسته نباشید خدمت همه کارگران و زحمت‌کشان شریف سراسر کشور. ما در شماره قبلی کارگر پیشتاز در مورد شعارهای انتقالی صحبت کردیم و گفتیم که وظیفه این شعارها بالا بردن سطح آگاهی ضد سرمایه‌داری در میان کارگران است. مثالی هم آوردیم در مورد طرح شعار افزایش دستمزدها بر اساس نرخ واقعی تورم که مطمئناً از طرف صاحب‌کارها و دولت آن‌ها مورد قبول قرار نخواهد گرفت، و دلایلش را هم گفتیم، اما طرح این شعار موجب می‌شود که سئوال‌های جدیدی در ذهن ما کارگرها مطرح شود. سئوال‌هایی از قبیل این‌که: چرا دولت در مقابل چنین درخواستی که منطقی هم هست مقاومت می‌کند؟ این دولت که دیده، و ما هم که تجربه کردیم، و روش تعیین یکرقم در آخر هر سال هم در عمل نشان داد که کار نمی‌کند؟ پس چرا دولت این پیشنهاد را نمی‌پذیرد؟ در شرایط فعلی، ما ظاهراً حقوقمان زیاد می‌شود اما قدرت خریدمان روز به روز کمتر می‌شود و ما داریم هر روز فقیرتر از روز پیش می‌شویم. چرا این اتفاق می‌افتد؟

در ضمن گفتیم که سرمایه‌دارها برای توجیه این‌که چرا دستمزدها را اضافه نمی‌کنند بوق و کرنا برمی‌دارند که این افزایش باعث ایجاد تورم و بالا رفتن قیمت‌ها می‌شود. یعنی در یک کلام، مقصر همه بدبختی‌های تورم ما کارگرها هستیم، که این حرف از پایه اساس مزخرف و دروغ است. بنیادین بحران تورم به خود سیستم سرمایه‌داری وصل است و این دوتا از هم جدایی‌ناپذیر هستند. درست است که افزایش دستمزدها در جریان تورم نقش بازی می‌کند، اما نقشی بسیار ناچیز. سر بزرگ قضیه جای دیگری زیر لحاف است. اصل مطلب این است که: صاحب‌کار و سرمایه‌دار به عوض راه‌اندازی سرمایه در تولید، آن‌را توی رشته‌های غیرتولیدی مثل دلالی و سکه‌بازی و خرید و فروش دلار و غیره بیکار می‌اندازد که هم منفعتش فوری‌تر است، هم بیش‌تر است، و هم کم در دست‌تر. این عمل به جای افزایش کار و بالا بردن قدرت خرید مردم، مقدار پول نقد بدون پشتوانه را اضافه می‌کند و باعث بی‌کاری عمومی می‌شود. البته بی‌کاری دلایل دیگری هم دارد. از آنجایی که تولید در سرمایه‌داری حساب و کتاب و نقشه‌ورانه ندارد، سرمایه معمولاً به طرف صنایعی می‌رود که درصد سوددهی آن بالاتر باشد. این امر در طولانی‌مدت خودش موجب بی‌کاری می‌شود. اجازه بدهید از همان مثال کفش دفعه قبل استفاده کنیم؛ البته شکی نیست که جریان خیلی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست، اما ما برای آن‌که قضیه قشنگ باز شود از یک‌مثال ساده استفاده می‌کنیم.

تبلیغات به مردم القا می‌کند که در حال حاضر فلان مارک کفش بسیار عالی‌ست و مردم برای خریدن آن مقابل فروشگاه صف می‌بنند. در اینجا دوتای می‌افتد: اولاً مشتری توی بازار زیاد می‌شود، و ثانیاً قیمت کفش بالا می‌رود. در نتیجه همه سرمایه‌ها دنبال دوختن کفش به راه می‌افتند و بعد از مدتی بازار پر از کفش می‌شود، اما تعداد پاها که فرقی نکرده و زیاد نشده؛ نتیجه کار این‌که؛ تورم کفش در جامعه باعث باک کردن کفش‌ها در بازار و کم شدن مشتری و سرانجام کاهش سود تولید کفش می‌شود. در این میان، تعدادی از کارخانه‌های خرده‌پا ورشکسته می‌شوند و می‌روند پی کارشان و کارگرهایشان بی‌کار می‌مانند؛ برخی هم که پول‌پوله

بیش‌تری دارند و هنوز می‌توانند کارخانه را سرپا نگاه دارند، تعدادی کارگر اخراج می‌کنند و از حقوق بقیه می‌زنند تا قیمت تمام‌شده کمتر بشود و هنوز سودی تقریباً برابر گذشته دستشان را بگیرد. تعداد کم‌تری از سرمایه‌دارها هم که خیلی دم‌کلفت هستند در کارخانه را می‌بندند و ماشین‌ها را بار می‌کنند و می‌برند مثلاً فیلیپین و با نزدیک یک‌چهارم، یا حتی یک‌دهم دستمزد کشور خودشان دوباره کفش تولید می‌کنند و آن‌را به‌همان قیمت سابق می‌فروشند و دم‌کلفت ترمی شوند این‌وسط کارگرهای بیچاره هستند که در هر سه مورد بی‌کار شده‌اند. خلاصه، هر شیوه کاهش مخارج تولید را که در نظر بگیریم آخرکار خاکش به‌چشم ما کارگرها می‌رود و ما بی‌کار می‌شویم.

در کشوری مثل ایران ممکن است سرمایه‌دار ما به‌کشور دیگر نرود، اما با درب کارخانه را می‌بندد و پولش را در دلالتی و بازار به‌کار می‌اندازد، یا پول را کیسه می‌کند و فلنگش را می‌بندد و یا از کارگر مهاجر و کارگرهای ارزان مناطق دیگر در مقابل کارگر بومی استفاده می‌کند و به آن‌ها حقوق کم‌تری می‌دهد و کارگرهای سابق خودش را بی‌کار می‌کند. البته سرمایه‌دارها هم زرنگ شده‌اند و از شگردهای جدیدی استفاده می‌کنند تا جنس در بازار زیاد باد نکند، اگرچه سرانجام اتفاق می‌افتد، مثلاً مدل قبلی را از بازار خارج می‌کند و با یک تغییر کوچک دوباره همان جنس قدیمی را وارد بازار می‌کند. مواد غذایی اضافی را آتش می‌زند، اما به‌گرسنه نمی‌دهد. کیفیت کالا را تنزل می‌دهد و از عمر مفید آن کم می‌کند و با تبلیغات و رادیو و تلویزیون به‌مردم می‌قبولاند که الاًوبلاً این جنس حرف ندارد و شما خودتان خبر ندارید که چه‌قدر محتاج آن هستید. امروز هم بیست میلیون ارزان‌تر شده، این شانس را از دست ندهید؛ یعنی ایجاد حس احتیاج کاذب از طریق تبلیغات.

اما علی‌رغم همه این راحل‌ها بی‌کاری یکی از مصیبت‌های تولید سرمایه‌داری است که هیچ‌وقت گریبان آن‌را رها نمی‌کند. نظام سرمایه‌داری ایران هم از این بحران مستثنی نیست. آخرین آمارهای رسمی نرخ بیکاری خوزستان که قلب صنعتی کشور است، ۱۱۰۶ درصد اعلام شده، حال تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل. اگر باور کنیم که مطابق معمول آمارها دست‌کاری نشده، می‌شود حدس زد که این درصدها در استان‌هایی مانند کردستان و سیستان و بلوچستان حتماً باید از مرز ۵۰ و ۶۰ درصد هم گذشته باشد. به‌همین دلیل است که ما در این دو استان با پدیده کولبری و سوخت‌بری روبه‌رو هستیم.

اگر بی‌کاری از نظر ما کارگرها یک مصیبت بزرگ است، از نظر صاحب‌کارها یک نعمت بزرگ به‌شمار می‌آید. ارتش بی‌کارها که هرروز با ورود جوان‌هایی که تازه مدرسه یا دانشگاه خودشان را تمام کرده‌اند و به جمعیت عظیم بی‌کارها اضافه شده‌اند، یکی از اهرم‌های بسیار موثر صاحب‌کارها برای کاهش دستمزدها و کنترل نارضایتی‌های کارگران است. اگر کارگری به‌وضع موجود اعتراض کرد بلافاصله اخراجش می‌کنند و چون صف درازی مقابل در کارخانه تشکیل شده، یک‌نفر دیگر که هم جوان‌تر است و هم تازه‌نفس‌تر و حتی ارزان‌تر، استخدام می‌کنند. این رقابت بین کارگران و بی‌کاران تا زمانی‌که تشکیلات مستقل کارگری وجود نداشته باشد هم‌چنان ادامه دارد و یکی از بهترین وسیله‌ها برای جلوگیری از آشوب‌های اجتماعی است. یکی دیگر از روش‌های کنترل دستمزدها و جلوگیری از آشوب‌های اجتماعی استفاده از ارتش کارگران مهاجر و غیربومی است. صاحب‌کارها با استفاده از این کارگران نه‌تنها سطح دستمزدها را پائین نگاه می‌دارند، بلکه خشم و نارضایتی در درون کارگران ایجاد کرده و آن‌ها را به‌جان یک‌دیگر می‌اندازند. آن‌ها وانمود می‌کنند که این کارگران مسئول سقوط دستمزدها هستند و به‌این‌ترتیب از اتحاد ما کارگران، جدای از جنس و نژاد و ملیت جلوگیری می‌کنند. این ماجرا نیز تازمانی‌که ما تشکیلات مستقل خودمان را نداشته باشیم ادامه خواهد داشت.

ما در شماره بعدی به توضیح بیشتر مشکل بی‌کاری و راحل‌های پیشنهادی کارگران پیشنهاد خواهیم پرداخت.

پیروز باشید

- پیش به‌سوی ساختن هسته‌های مخفی کارگران پیشنهاد سوسیالیست!
- پیش به‌سوی اتحاد کارگران پیشنهاد بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش به‌سوی اتحاد عمل سراسری کارگران و تشکیل ستاد رهبری کارگری!
- پیش به‌سوی برقراری حکومت کارگری و جامعه آزاد سوسیالیستی!

بولتن کارگری هسته کارگران پیشنهاد سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>